

پرسش از یک فیلم انیمیشن

آن ماری فیلهو

من با سینما تدریس می کنم





پرسش از یک فیلم انیمیشن

by Anne Marie Filho

نمایش یک فیلم انیمیشن باید امکان ملاقات دانش آموزان را فراهم کند

یک اثر، به زیر سوال بردن آن، برای صورت بندی یک قضاوت انتقادی، برای بیان یک نظر، دیدگاه استدلالی، بحث کردن، مقایسه کردن، قرار دادن دیدگاه، برای ایجاد پیوند با آثار دیگر، هنرهای دیگر، رسانه های دیگری که همین موضوع را تصرف کرده اند. این فرصتی است که دانش آموزان برای کسب دانش و ایجاد مهارت

که می توانند در مواقع دیگر آزمایش کنند.



باران و ماهی © Risa Kimpara

دو روش معمولی اما متفاوت از

سوال کردن

هنگامی که کلاسها برای مطالعه یک شیء، هر چه که باشد، دعوت میشوند

طبیعت یا تولید شده توسط تصنع آفرینش، به عنوان مثال، الف متن یا فیلم، دو روش پرسش را می توان اتخاذ کرد.

- مجموعه ای از سوالات با دقت سازماندهی شده، اغلب بر اساس درجه پیچیدگی، به دانش آموزانی که به آن پاسخ می دهند ارائه می شود.
- سؤال از قبل متوقف نمی شود، بلکه بر اساس آن ساخته می شود

بازتاب دانش آموزان هنگام کشف شی مورد مطالعه و واکنش نشان دهند؛ سازماندهی این بازتاب ها و توسعه آنها اجازه خواهد داد لزوماً برای دستیابی به اهداف تعیین شده برای تجزیه و تحلیل، برای درک معنا، که در هر دو حالت یکسان باقی می ماند. علاقه این ثانیه رویکرد ایجاد شرایط برای دستیابی تدریجی یک روش است، از خودمختاری، از جمله با آگاه کردن تدریجی مردم دانش آموزان از وجود متغیرها در مشاهدات خود. در حالی که سازگاری با سن و سطح آنها به عهده معلم است برای دعوت از دانش آموزان به تفکر در مورد استراتژی هایی که اجرا می کنند سوال کردن، تحلیل کردن، درک کردن، تا بتوانند از آنها انتقاد کنند،

جذب، قادر به تصاحب آنها، استفاده مجدد و توسعه آنها باشد.

برای نشان دادن موضوع، اکنون تصور می کنیم که دانش آموزان هستند

برای کشف فیلم ریسا کیمپارا، "باران و ماهی" دعوت شده است.

حفظ هدف از

آموزش تصویر

نمایش یک فیلم انیمیشن است

همیشه فرصتی برای ارائه

دیدار دانشجویان با الف

کار، کار خلاقانه

هنری، با توجه به رویکرد

درس های هنری و این

هر هدفی که دنبال می شود

مناسب است در اینجا یادآوری شود

رویکرد تدریس

هنری که او چنین

رسمی در انواع مختلف

انتشارات موجود در

وب سایت Eduscol، در بخش

اختصاص به این آموزه ها 1.

تاکید بر کیفیت است

انتظار می رود از این جلسات با

آثار هنری

بررسی فیلم های انیمیشن

می تواند به طور مفید از آن الهام بگیرد

پیشنهادات موجود در این

اسناد همراه

<https://eduscol.education.fr/cid99287/ressources-accompagnement-enseignements-artistiques-aux-cycles.html> 1

به ویژه "در دسترس دست، در دسترس کلمات، در دسترس چشم؛ مواجهه با آثار هنرهای پلاستیکی برای سنین 6 تا 9"

P1 "برخورد با آثار در تربیت دانش آموز 9 تا 12 ساله: جرات کن کاوش کن، سؤال کن، تحقیق کن، سؤال کن... هنرپیشه شو".



از بسیج تجربه شخصی گرفته تا دانش

بچه ها متأثر می شوند و با توجه به تجربیات خود فیلم را درک می کنند. اگر کار اینجا به طور رسمی با آن ها متفاوت است که دانشآموزان با آن آشنا هستند، اساساً به تجربیات اشاره دارد که همه به اشتراک گذاشته‌اند، تجربه باران، تجربه آن، صدای چتر، بزرگ یا کوچک که می خواهیم با آن خوش بگذرانیم، شاید صدای اتوبوس مدرسه.

حافظه را درگیر می کند، به راحتی در تاریخ شخصی لنگر می اندازد و بازی مفاهیم ادراکی را تشویق می کند.

بسته به پروژه، میتوانیم با پرداختن به موضوع "باران"، قبل از نمایش، برای جلسه آماده شویم. چه کسی دوست دارد، چه کسی دوست ندارد نه برای چی؟ چه خاطره ای؟ چه تصاویری؟ ما قادر خواهیم بود بنویسیم، نقاشی کنیم، خودمان را صحنه سازی کنیم، واژگان را کشف کنیم

قبل از کشف آنچه کارگردان تصور کرده و گفته است، باران را تصور کرد.

شاید این اثر با فرهنگ کودکان هم طنین انداز شود. تعداد زیادی از آثار، مناسب برای تمام سنین، با باران بسته به سنشان، کتاب هایی برایشان خوانده می شد یا خودشان می خواندند که در آن شخصیت ها با شخصیت ها مواجه می شدند

باران، آثار کلاسیک ادبیات کودکان مانند آلبوم اگنس روزنشتیل، "میمی کراکرا، باران، او آن را دوست دارد!".

آنها قافیه های مهد کودک را به زبان فرانسوی، "باران می آید، خیس است، مهمانی قورباغه است"، "باران چوپان است"، به انگلیسی، "باران باران برو کنار..." آیا آنها این فرصت را خواهند داشت که جین کلی را در حال آواز خواندن زیر باران ببینند؟ به هر حال، برای چند

p دلایل شخصی، فرهنگی، اجتماعی... دانش آموزان از قبل منابع لازم برای درک فیلم را دارند.

به طور ناخودآگاه یا نه، دانش آموزان دانش و تجربه خود را در مورد ساخت و ساز بسیج خواهند کرد

داستانهایی که انتظارات آنها را پاپیریزی میکنند و به آنها اجازه میدهند تا ماجراهای آینده را پیشبینی کنند. در فیلم ریسای کیمپارا، آشکار شدن داستان در منات خود بدیع است. این می تواند آرزوهای دانش آموزان جوان را خنثی کند، کسانی که ممکن است تغذیه کرده باشند این تجربیات قبلی، پایه های فرهنگ اولیه ادبیات و سینما را پی ریزی کرد.

این فیلم هم روایی است، هم با نخ روایی بسیار ظریف و هم متفکرانه. ممکن است گیج کننده باشد.

جیدان پاریس، هوای بارانی، گوستاو کینیوت، 1877، موزه هنر شیکاگو





اکتشاف

مواجهه با اثر همچنين دیدار با نویسنده آن است، قرار دادن زمینه ایجاد و توزیع آن است.

دانش آموزان باید آموزش ببینند که به این اطلاعات توجه کنند. معنای این شناسایی تنها با تکرار آن تأیید می شود، گسترش یافته تا با آثار دیگر، تصویری، موسیقایی، ادبی ... آموزش احترام به آنها به طور متوسط. برای یک نویسنده، برای کار او و تیمش. فراتر از آن، آنها قادر خواهند بود گام به گام در مورد فرهنگ ها بیاموزند. آثاری که آثار دورانی را در خود دارند، به مرور زمان "مکتبهای" را که از دیرباز گفته شده است، کشف کنید. برای سایر هنرها با گروه بندی هنرمندان، در صورت لزوم، در مدارس بر اساس کشور مبدأ، بر اساس قرن آنها، بر اساس

جنبش هنری که به آن تعلق دارند.

فیلمهای انیمیشنی که در این پلتفرم ارائه میشوند، غرق در فرهنگ نویسندگان خود هستند، اما به طور گسترده باز هستند.

به تأثیرات دیگر و ترکیب خود تیم های تولید اغلب چند فرهنگی است. متوجه خواهیم شد که اکثر فیلم ها عناوین انگلیسی دارند که بسته به سن و چرخه آنها، دانش آموزان ترجمه را یاد می گیرند. بدون وارد شدن به بحث در اینجا، این استفاده از انگلیسی برای فیلم های تولید شده در کشورهایی که زبان آن نیست این مقام رسمی خطاب به مخاطبان بین المللی را که فرهنگ آنها نیز بر استقبال تأثیرگذار است، تأکید می کند. بسته به پروژه سال، میتوانیم ردپای این کار شناسایی را در "زمینه" آثار نگه داریم.

در مورد فیلم "باران و ماهی"، اطلاعات ارائه شده در خود فیلم به طور سیستماتیک در

دو خط: الفبای ژاپنی و سپس الفبای لاتین. بنابراین اطلاعات به زبان ژاپنی به انگلیسی ترجمه می شود.

عنوان	باران و ماهی	عنوان پس از 43 ثانیه به زبان ژاپنی و به زبان ظاهر می شود انگلیسی. نام عناوین انگلیسی شروع نمی شود با حروف بزرگ طبق قرارداد. حروف ژاپنی به معنای "ماهی قرمز" است و نه نه "باران و ماهی". بی شباهت نیستند قایق های کوچکی که در برابر افق مه آلود ایستاده اند. 赤い魚 = قرمز. 魚 = ماهی.
نویسنده	ریسا کیمپارا	کارگردان ژاپنی
تیم و توزیع توابع فیلمنامه، طراحی، ویرایش و انیمیشن دستیار انیمیشن موسیقی جلوه های صوتی میکسر صدا	ریسا کیمپارا یوسوکه کاروتا یوساکو ماسودا تاگوچی اوه یوشینو موریتا	این اطلاعات در انتهای فیلم ظاهر می شود. 4.22 4.22 4.28 4.28 4.28
تولید	دانشگاه هنر توکیو	4.28
به کارگردانی	ریسا کیمپارا	4.34
تولید	دانشگاه هنر توکیو	4.34
محل تولید	دانشگاه هنر توکیو	از ابتدا روی صفحه ظاهر می شود.
کشور تولید کننده	ژاپن	ایجاد شده توسط دانشگاه هنر توکیو
تاریخ تکمیل	2010	تاریخ در پایین صفحه سیاه، آخرین تصویر.

اطلاعات دیگری ممکن است ارائه شود.

طول فیلم	4.47 ثانیه
فنی	فیلم دو بعدی
اطلاعات تکمیلی در مورد تولید	فیلمی به کارگردانی Risa Kimpapa1 به عنوان بخشی از اولین سال تحصیلی خود در دانشگاه هنر توکیو.

در نظر گرفتن همه این عناصر بستگی به پروژه انجام شده در کلاس و سطح دانش آموزان دارد. با این حال، به نظر می رسد

ضروری است که دانش آموزان به طور روشمند به نام بردن حداقل نویسنده، بدون نادیده گرفتن ساخت یک فیلم عادت کنند شامل یک تیم، و برای شناسایی سال و محل تولید است.

اگر معلم قصد دارد با کلاس خود یک فیلم انیمیشن بسازد، می تواند در اینجا با دانش آموزانش متفاوت را مشاهده کند

کارکردهایی که توسط اعضای یک تیم انجام می شود، نقش های بسیار زیادی را می توان توزیع کرد.

تفاوت شکل این فیلم با تولیدات ژاپنی که آنها دیده اند ممکن است برای افراد مسن به نظر برسد.

ما در اینجا به کار بنیانگذار چینی (Te Wei (1915-2010 و انیمیشن های شستشوی او یا به تکینگی Isao Takahata نزدیکتر شده ایم.

در داستان شاهزاده خانم کاکویا (2013). عناصر فرهنگ ژاپنی در انتخاب های کارگردان مشهود است.



روایت. پیچ، خلاصه، خلاصه

دعوت از دانش آموزان برای کار، شفاهی و/یا کتبی، بر روی ارائه داستان پیشنهادی جالب است.

ممکن است اصطلاح "قلاب" را به واژه "پیچ" که از تجارت وام گرفته شده است ترجیح دهیم (پیش فروش، استدلال تجاری) و امروزه معمولاً برای برانگیختن یک ارائه در یک یا دو جمله استفاده می شود، که باید علاقه را برانگیزد، معمولاً بدون فاش کردن پایان به طور کلی، این ارائه، این "قلاب":

. وضعیت اولیه را مشخص می کند

. شخصیت ها را مشخص کنید

. اولین رویدادی را گزارش می کند که داستان را شروع می کند و می تواند با باز کردن زندگی شخصیت یا شخصیت ها را تغییر دهد

آنها را میدان احتمالات، ایجاد یک تعلیق کم و بیش قوی است.

فیلم "باران و ماهی" موضوع چند مورد از این ارائه های کوتاه بود.

در اینجا سه مورد از سایت هایی که به این اثر استناد میکنند، آورده شده است، که چهارمین طرح پیشنهادی در یک سایت انگلیسی زبان به آنها پیوست شده است:

"یک روز بارانی، پسر کوچکی منتظر اتوبوس می ماند و به تخیل خود اجازه می دهد. تصاویر به ذهنش می رسد."

Films pour enfants پلتفرم

"در هنگام بارش باران، پسر بچه های منتظر اتوبوسی است که زیر چترش پناه گرفته و در افکارش می رود."

cinemapublic.org

"در یک روز بارانی، پسری در ایستگاه اتوبوس منتظر است. قطرات آب در یک گودال موج می زند.

ناگهان، یک شروع. ماهی قرمز در برکه..."

3dvf.com

"یک روز بارانی، پسری با غم و اندوه در ایستگاه اتوبوس منتظر بود. قیچی، قطرات باران می جهد و در یک گودال موج می زند. با تماشای آن، دید چیزی [پرش]. وقتی پسر به گودال نگاه کرد، ماهی قرمزی در حال شنا بود. این داستان یک ماهی قرمز است که پسری در یک روز بارانی دید."

Letterboxd، شبکه اجتماعی برای دوستداران فیلم

ترکیب این قلاب و انتخابی که بر آن دلالت می کند، سخت است و امکان تأمل سازنده را از سوی دانش آموزان فراهم می کند.

در مثال های ارائه شده در بالا، باران در اولین کلمات ذکر شده است. این اوست که نیروی محرکه است

عملی که شدت آن دو برابر می شود و برای کودک گودال ها و آینه ها ایجاد می کند. وقتی متوقف می شود، فیلم نیز متوقف می شود.

همچنین میتوانیم روی فرمهای کوتاهتر، یک عبارت اسمی یا یک شعار همراه با عنوان کار کنیم.

نوشتن "پیچ" می تواند اولین یا فرصت جدیدی برای زیر سوال بردن عنوان انتخاب شده باشد.

دانش آموزان تفاوت بین عنوان ژاپنی به معنای "ماهی قرمز" و عنوان انگلیسی که به ترجمه می شود را مشاهده خواهند کرد

"باران و ماهی". چرا این تفاوت توسط کارگردان فرض شده است؟ مصلحت اولی، دومی چیست؟

دانش آموزان چه عنوان دیگری را تصور می کنند؟ به شیوه لافونتن، "کودک، باران و ماهی" که بیشتر اشاره دارد

به داستان، بدون اخلاق صریح در اینجا؟ یا، بسیار متفاوت، "انتظار"، "راحت در باران" که وضعیت کودک، او را ترجمه می کند.

طرز فکر دانش آموزان می توانند به پاسخ های زیادی دست یابند.

کلاس همچنین میتواند عنوان فیلم را با عناوینی که دیگر سازندگان، شاعران، نقاشان، موسیقیدانان... به آنها داده اند، مقایسه کند.

آثاری که آنها به باران اختصاص دادند، مانند مواردی که در پایان این سند ذکر شده است.

خلاصه طولانی تر است و کل داستان را بیان می کند. اصطلاح "خلاصه" که در قاموس سینما گنجانده شده است، می تواند

به عنوان مترادف در نظر گرفته شود و به دانش آموزان 9 تا 12 سال ارائه شود. خلاصه کتاب باران و ماهی ارائه خواهد شد.

برخی از مشکلات به راحتی قابل غلبه، از یک سو به دلیل درهم آمیختن رویاپردازی در تجربه واقعی، از سوی دیگر

به دلیل تعدد تفاسیر در مورد شخصیت ها و پیوندهایی است که آنها را به هم پیوند می دهد. خلاصه می پرسد

دانش آموزان مکان، شخصیت ها، پیوندهایی که آنها را متحد می کند، عملی که در آن درگیر هستند را شناسایی کنند.



مکان، دکور

فیلم فضای خاصی را نشان نمی دهد. سرنخهای نادر فرضیهها را تأیید میکنند:

سرنخ های بصری:

- . یک مانع سفید (در 0.23)
- . علامت مستطیلی (0.48) که فهمیدیم نشان دهنده یک ایستگاه اتوبوس است
- . اتوبوس یا اتوبوس
- . درختان و ساختمان های ترسیم شده (از 3.29)

نشانه های صوتی:

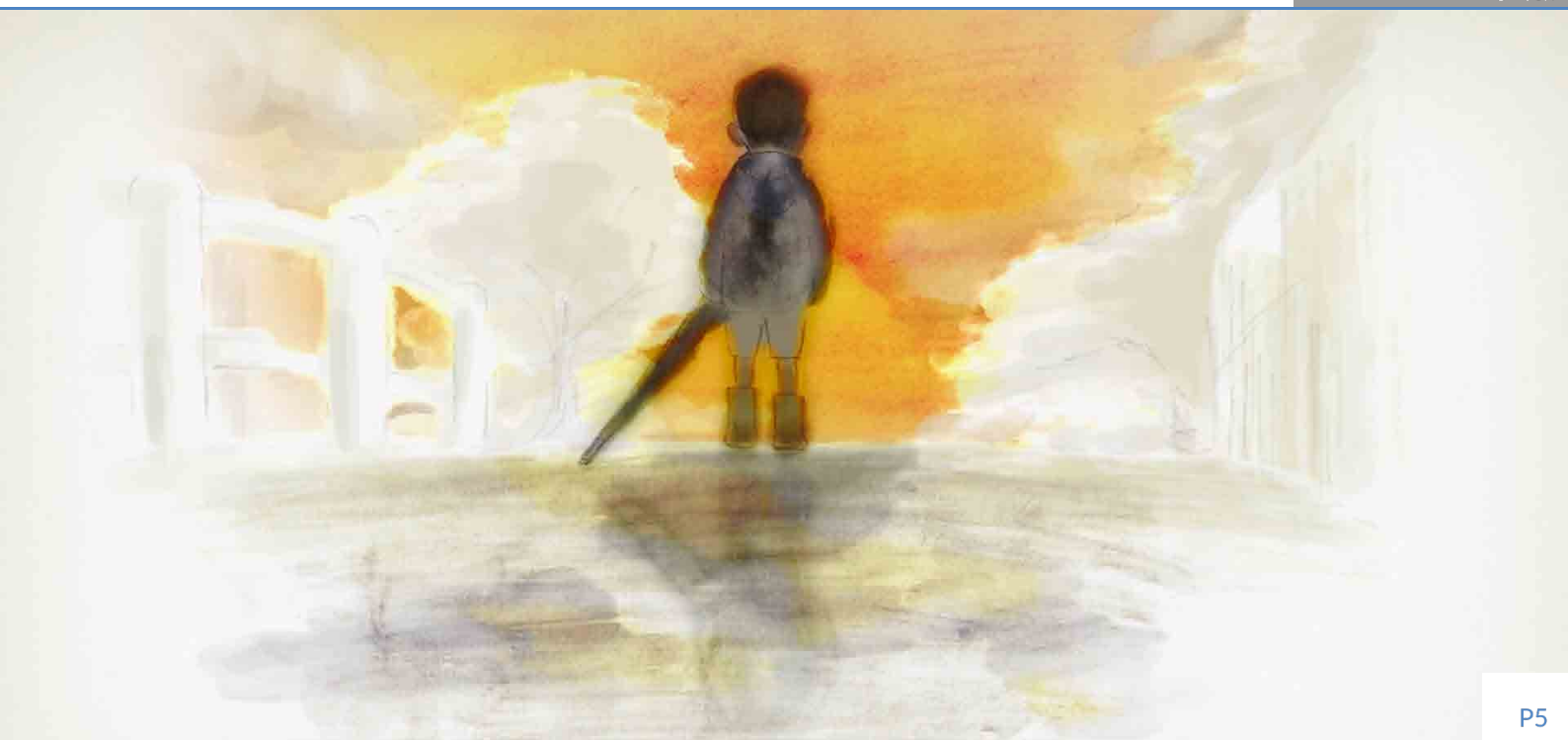
- . صدای رانندگی ماشین ها
- . صدای اتوبوس و درهای بادی آن.

بسته به تجربه شخصی خود، دانش آموزان بی تفاوت یک شهر، یک روستا، یک دهکده، یک جاده را تشخیص می دهند. کمپین انتخاباتی است، اما به سختی قادر خواهد بود پا را فراتر بگذارد و فرضیه های خود را تأیید کند. عمل می تواند در مکان هایی انجام شود، در کشورهای مختلف باران و سپس تابش خیره کننده ناشی از بازگشت خورشید عناصر دکور را پنهان می کند یا بر آن چیره می شود. توجه اینگونه است تمرکز بر کودک، چتر، اتوبوس، چند عنصر ضروری برای داستان، و مهمتر از همه، روی باران و سپس خورشید که بازیگران ضروری هستند و احساسات کودک را تغذیه می کنند.

در اولین ملاقات ساتسوکی، می و توتورو در فیلم "همسایه من توتورو" (هایائو میازاکی، 1988)، پرده باران نیز با تکه تکه شدن دکور خاکستری رنگ آن را پنهان می کند. آیا کارگردان این قسمت از فیلم را به خاطر داشته است؟ باران و نور قدرت حل کنندگی دارند. انحلال عناصر دکور باعث افزایش رنگ های انتخابی می شود. اشکال دقیق ناپدید می شوند و کودک به رنگ خاکستری همه جا حاضر و سپس به شفافیت زرد نارنجی تبدیل می شود. چند رنگ به سختی چکمههای پسر کوچک، لباسهای کمی مایل به آبی، مانند رنگهای خاکستری را تشخیص میدهد. دنیای باران به اندازه شستشوهای ته وی تک رنگ است. ماهی قرمز، ماهی طلایی، رنگ طلایی را به ارمغان می آورد که سپس به تمام آسمان می رسد، در لحظه ای که بزرگسال مورد انتظار بالاخره می رسد. رنگ های دکور منطبق با

احساسات، عواطف کودک، به همان اندازه که علت هستند، آنها را معنا می کنند.

باران و ماهی © Rika Kimpara





شخصیت ها

در این دکور برداشت ها، شخصیت اصلی قابل شناسایی است. او یک کودک است. اندازه کوچک آن با موارد زیر مشخص می شود:

- . نسبت های کودک/چتر
- . نسبت تابلوی ایستگاه اتوبوس/کودک
- . نسبت کودک/بزرگسال، در نمای پرده از او در قسمت آخر، (تصویر او را در کنار بزرگسال نشان می دهد).

اگر آن را به این معنا تفسیر کنیم، احتمالاً یک پسر کوچک است:

. لباس او که لباس کودک است و بیشتر پسرها می پوشند، اما کلاس ممکن است داشته باشد

می خواهند در مورد آن بحث کنند

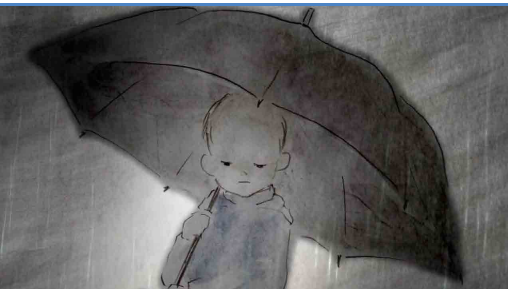
. مدل موهای کوتاه او، اما دانش آموزان می توانند در مورد آن نیز بحث کنند.

نویسندگان زمین های ذکر شده در بالا به اتفاق آرا یک پسر کوچک را می شناسند.

این نقاشی همچنین سرنخ هایی در مورد وضعیت ذهنی کودک ارائه می دهد.

. صورت او: چشم ها، دهان گویا است.

دهان با خطی کشیده شده است که می تواند غم، غم، شادی، تعجب را بیان کند.



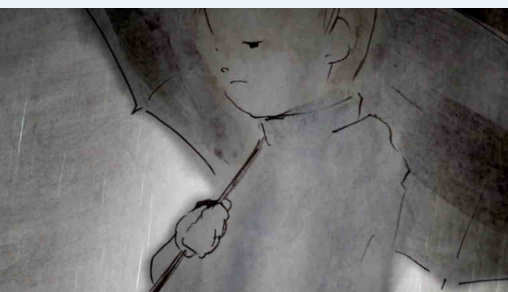
کودک از غم و اندوه به لذت کشف گربه می رسد و سپس به تعجب می رود

قبل از اینکه با خوشحالی بزرگسال مورد انتظار را پیدا کنید، خیال پردازی کنید. این همه احساس

در یک خط مشخص می شوند. روشی که او چتر خود را می کشد، این تصور را برجسته می کند

از غم و اندوه

در اطراف کودک، شخصیت های دیگر نامشخص هستند.



. حیوانات واقعی مانند گربه تیره رنگی که میو می کند و از آب فرار می کند. واقعی

و در عین حال غیر واقعی، مانند این ماهی های قرمز که در طول رویا تکثیر می شوند

و چه کسانی پرواز می کنند

. یک شکل زن، مانند مسخ یکی از این ماهی ها، که ژست می گیرد

بوسه بر پلک کودک

. مردی که در پایان مداخله می کند، او را نوازش می کند

موهای کودک، قبل از از سرگیری سفر با او.

بزرگسالان، در رویاهای کودک مانند واقعیت، حساس و مهربان هستند

محافظ ها حضور آنها با لذت و شادی همراه است. دانش آموزان

فرضیه ها را تدوین خواهد کرد. آنها بدون شک می خواهند که در انسان تشخیص دهند

پدري که کودک در انتظارش است و باید این تعبیر را توجیه کند. آیا آنها نیز قضاوت خواهند کرد

که زن در خواب تصویر مادری است که کودک در مورد او فکر می کند؟ یک مادر

در واقعیت وجود ندارد اما در تخیل پسر کوچک وجود دارد.

به نظر می رسد که شکل زن از دگرگونی ماهی قرمز، ماهی متولد شده است

d'or همانطور که در انگلیسی می گوئیم "گلدفیش". او که موهای طلایی اش

مانند باله های پوشیده ماهی باز می شود، به سرعت ناپدید می شود.

دگردیسی حیوانات به انسان و بالعکس یک موضوع جهانی است

و در بسیاری از افسانه ها، در ژاپن مانند سایر کشورها ظاهر می شود.

هایائو میازاکی، خواننده اووید و باز به فرهنگ غربی، از این سوء استفاده کرد

تخیل با آهنگسازی "پنیو روی صخره" (2008)، داستان یک

دختر بچه ماهی قرمز، نه بدون الهام گرفتن، از راه دور، توسط اندرسن.





عمل

باران می بارد. کودکی در حالی که چتر را پشت سر خود می کشد به سمت ایستگاه اتوبوس می رود.

از 0.15 تا 0.39 کودک از چپ به راست از میدان عبور می کند، غمگین به نظر می رسد، چتر را می کشد. این جنبش توسط تناوب عکس ها، نشان دادن کودک در نمای نزدیک و سپس در شات متوسط. هر تغییر طرح به ما امکان جایگزینی می دهد کودک را به سمت چپ تصویر ببرید و این حرکت را از چپ به راست تکرار کنید.

شات 0.30/0.31 دو شات را روی هم قرار می دهد.

در چندین موقعیت، فیلم دو تصویر را روی هم قرار می دهد، که نشاندهنده انتقال با سیالیت زیاد است. از 0.31 تا 0.39، کودک از میدان عبور می کند و ناپدید می شود، کادر سمت راست را ترک می کند و فضای خالی برای ظاهر شدن آنها باقی می گذارد و سپس شخصیت های عنوان ناپدید می شوند

در 0.47 و تا 0.54، فیلم کودک را در ایستگاه اتوبوس نشان می دهد.



کودک در ایستگاه اتوبوس ایستاده است. اتوبوسی می آید، می ایستد و می رود.

از 0.55 تا 1.07، اتوبوس از سمت چپ وارد میدان می شود، عبور می کند و سپس توقف می کند. قبل از خروج از قاب به سمت راست. موسیقی متن اطلاعاتی در مورد باز شدن درب های پنوماتیکی ارائه می دهد

سپس بدون اینکه آنها را در تصویر ببینیم ببندید.

بچه سوار اتوبوس نشد. او ماند، زیر آن منتظر می ماند

باران مداوم

در 1.08، اتوبوس ناپدید شده کودک را نشان می دهد که هنوز در ایستگاه اتوبوس ایستاده است. ما شاید فکر می کرد سوار اتوبوس می شود و از دیدن او تعجب می کند.

بارش باران افزایش می یابد. کودک چتر خود را باز می کند که طنین انداز می شود.

از ساعت 1.09 تا 1.16 کودک مشغول باز کردن چتر خود است.

در 1.17، چتر تقریباً کل زمین را می پوشاند، سپس کودک در آن دیده می شود نمای نزدیک (1.18) و مدیوم شات (1.19) که دو تصویر روی هم قرار گرفته اند

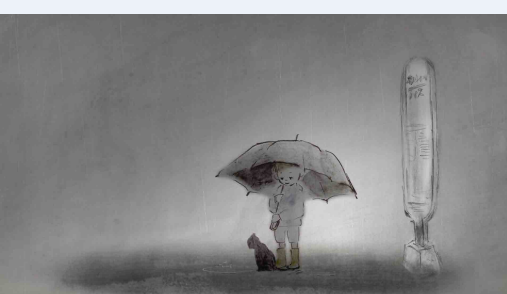
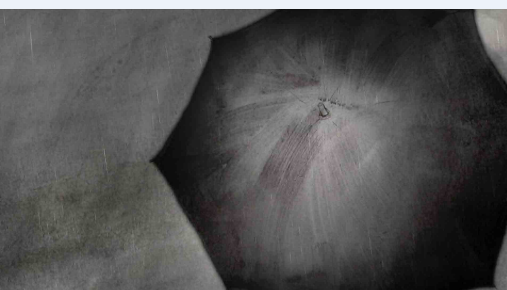
در 1.19.

گربه ای به او می پیوندد و در نزدیکی او زیر چتر پناه می گیرد.

کودک منتظر می ماند و چند ثانیه برای نشان دادن او به این شکل اختصاص می یابد صغرا، بیکار سپس این ایده به ذهن او می رسد (1.31)، تصاویر روی هم قرار گرفته تا با او بازی کند چتر (1.31 تا 1.42). در حالی که عکس هنوز از نزدیک است، کودک کمی دیده می شود بتدریج اندکی فرو می رود، گویی نمای او در حال افزایش ارتفاع است، در یک شات ردیابی که هم عقب و هم عمودی است. از 1.42 تا 2.05 توجه کودک توسط میو گربه ای که خارج از صفحه نمایش باقی می ماند جذب می شود. کودک است اکنون در مرکز تصویر و در 2.00، یک حرکت عمودی جدید به شما امکان می دهد گربه را کشف کنید.

2.05 کودک را در ایستگاه اتوبوس نشان می دهد، همانطور که قبلاً دیدیم (رک. 1.19) اما

گربه زیر چتر او پناه گرفت. کودک دیگر تنها نیست.





کودک و گربه بازتاب خود را در یک گودال مشاهده می کنند. کودک یک ماهی قرمز را کشف می کند که این است

شروع به پرواز در اطراف او می کند، همراه با دسته ای از ماهی های چرخان دیگر. یک چهره زن ظاهر می شود می خندد، قبل از ناپدید شدن، صورت کودک را می بوسد.

تصویر زیر (2.20/2.11) تعجب آور است. به نظر می رسد یک زاویه کم است، اما این بازتاب است که این اثر را توضیح می دهد. شخصیت ها در انعکاس یک گودال شکافته می شوند (2.20-2.12). سپس دو جهان در کنار هم زندگی می کنند و در آب، یک جهان گشوده می شود. غیر معمول ماهی قرمز در 2.25 ظاهر می شود که گویی از قطره آب متولد شده است که تصویر را از 2.21 تا 2.25 اشغال می کند. به نظر می رسد که او در 2.38 می میرد و دوباره متولد می شود از دو دستی که آن را می گیرند، آن را در پناه خود قرار دهید، سپس بگذارید مانند پرنده فرار کند (2.39-2.45). این دوتا به نظر نمی رسد دست های کودکی باشد که تماشاگر شگفت زده پرواز ماهی می شود، سپس همه ماهی در اطراف او تصویر او را در مرکز، در نمای نزدیک، در نمای نزدیک، در مدیوم شات نیز برای کشف پاله قرار می دهد. از ماهی های متعدد اطراف او (3.03-2.55)، برهم نهی). در 3.10، نمای نزدیک به ما این امکان را می دهد که بوسه زن را ضبط کنیم با موهایی روشن روی پلک او، قبل از ناپدید شدن (3.13)، چندین تصویر روی هم قرار گرفته اند تا نشان دهنده سرعت

حرکت). کودک تنها می ماند سپس محو می شود.

میدان خالی که با رنگ های زرد و صورتی به طور فزاینده ای جاروب شده است توسط یک ماهی قرمز از پایین به بالا و از سمت راست عبور می کند. سمت چپ (3.20). ماهی در عمق مزرعه ناپدید می شود (3.21).

خورشید برگشت. ماهی ها ناپدید شده اند، اما آسمان، دوباره آفتابی، رنگ آنهاست. گربه می رود.
یک بزرگسال، احتمالاً خارج از اتوبوس، اکنون با کودک است. سر او را با مهربانی نوازش می کند.

بزرگسال و کودک با هم می روند.

آسمان طلاکاری شده توسط خورشید از ساعت 3.22 تا 3.28 کل زمین را پر می کند. اشکال نارنجی در آسمان شکل ماهی را به یاد می آورد قرمز، گردی بدنش، مثلثی دراز دمش. سیلوئت های کودک و گربه که پشتشان رو به آسمان است و در دکور، دوباره ظاهر می شوند، در انعکاس آنها روی زمین تکرار می شوند، در حالی که نگاهی که روی آنها قرار می گیرد، فرو می رود، گویی تحت تأثیر از یک شات ردیابی عقب چتر بسته تایید می کند که باران قطع شده است. گربه کودک را ترک می کند (3.36). در 3.55، تصاویر هستند روی هم قرار گرفته و کودک از بالا دیده می شود، سرش در مرکز پایین است و صورتش همانطور که در گودال منعکس شده است. کودک، هنوز مجذوب، به تماشای خود ادامه می دهد. سایه ای در پشت او در بازتاب ظاهر می شود (4.05). کودک آنها را گشاد می کند چشم او بر می گردد و با ورود (4.08) روبرو می شود که فیلم نگاهش را می پذیرد و خارج از صفحه می ماند. به این ترتیب کودک در دیده می شود غواصی، متعجب، بدون لبخند. دستی بزرگ و پهن از بالای قاب وارد قاب می شود و روی سر او قرار می گیرد (4.12) که پوشش می دهد. کودک چشمان خود را می بندد و دوباره آنها را باز می کند، اکنون لبخند می زند (4.14)، حتی بیشتر و بیشتر سرخ می شود. بیشتر (4.15). چهره شاد او بر روی اتوبوس (4.16) قرار گرفته است که با خارج شدن از قاب سمت راست از چارچوب خارج می شود و در انجام این کار، کودک و بزرگسالی را که اکنون چتر را در دست دارند نشان می دهد. بزرگسال دست خود را به سمت کودک دراز می کند (4.18) و دو شیخ که گیج در پروفایل (4.20) اکنون به سمت چپ حرکت کنید و محو شوید. فیلد خالی است (4.20/4.22) تا اعتبارات ظاهر می شود بزرگسال و کودک دوباره در مرکز، پشت نام اعضای تیم ظاهر می شوند. پشتشون هست

و به نظر می رسد که به سمت اعماق میدان می رود.

خارج از دوربین فضای داستانی است که در کادر ظاهر نمی شود. فیلد فضای قابل مشاهده در داخل قاب است.

نویسنده از دوربین خارج از دوربین استفاده می کند تا چیزی را که کودک می بیند برای لحظه ای از بیننده پنهان کند: گربه، بزرگسال.

برنامه های افزودنی:

بر اساس سرنخایی که در فیلم یافت میشود، ممکن است از دانشآموزان خواسته شود تا تصور کنند که قبلاً چه اتفاقی افتاده است و نام کوچکی را برای خود انتخاب کنند

به کودک، داستان خود را اختراع کند، داستانی که او را به تجربه لحظاتی که فیلم بازگو می کند، سوق می دهد.



موضوع

تعریف موضوع می تواند باعث بحث در کلاس در اینجا شود.

به نظر می رسد موضوع انتظار در قلب روایت در اینجا قرار دارد.

با این حال، ممکن است توصیف آن جالب باشد: بیکار، منزوی ...

موضوع باران نیز قابل توجه است. عنوانی که حاوی کلمه "باران" در انگلیسی است، گواه این موضوع است.

موضوع کودکی نیز مورد بررسی قرار می گیرد: توانایی رویاپردازی، تصور کردن، توانایی رها کردن واقعیت برای انعکاس آن،

دنیایی را که در خود و/یا در افسانهها، داستانها و... و همچنین رابطه با بزرگسالان با

این چهره های زنانه و مردانه چهره پدر قابل تشخیص است، چهره مادر در رویا است. آیا مادر می شود

غایب، مثل فیلم همسایه من توتورو اثر میازاکی که دو دختر کوچک، ساتسوکو و می، با پدرشان تنها زندگی می کنند، بیمار هستید؟

کپیونوری در ژاپن، دیمتری پوپوف



الگوی ماهی پرنده

ماهی پرنده نقش مهمی در فرهنگ ژاپنی دارد. آنها هستند

نشان داده شده در Koi Nobori، به معنای واقعی کلمه "کیور streamers"، که هستند

جوارب های بادی به شکل ماهی کیور کوی، ساخته شده برای "Tango no sekku"

مهمانی پسران (sekku). ماهی کیور قوی در بالادست شنا می کند

شجاعتی که این ادای احترام را به آنها داد. این الگوی "ماهی پرنده" که عنوان آن

ژاپنی "ماهی قرمز" بر اهمیت آن تاکید می کند، خیال پردازی را در قلب فیلم قرار می دهد،

زندگی درونی پسر کوچک که برای لحظه ای با ظاهر ماهی آشکار شد.



موسیقی متن

موسیقی متن فیلم کاملاً عاری از دیالوگ است. تعیین کننده، بیش از حمایت انجام می دهد، آن را تقویت می کند ادراک بصری، آن را جهت می دهد. بر ترکیب، حرکت تأکید می کند، لحظه ها را تعریف می کند، حمایت می کند، از معنا حمایت می کند، کمک می کند

به درک می تواند چند معنایی تصاویر را کاهش دهد.

بدون دیدن گوش کن

اگر قرار است این پروژه توجه دانش آموزان را به اهمیت این موسیقی متن جلب کند، می توان پیشنهاد داد که به آن گوش دهند. قبل از دیدن فیلم، برای خودش، و سپس به دانش آموزان اجازه می دهد تا بر اساس این گوش دادن، فرضیه هایی را فرموله کنند. موسیقی متن باران و ماهی از سه قسمت تشکیل شده است که برای گوش واضح است.

. در اولی می شنویم که باران می بارد، یکی در حال راه رفتن است، ماشین ها در حال رانندگی هستند، یک "ماشین" می ایستد و دوباره راه می افتد، اما کودکان ممکن است صدای درب پنوماتیک اتوبوس، زنگ قبل از میو را تشخیص دهند.

آیا تجربه شخصی آنها نیز به آنها اجازه می دهد که مراقب کوپیدن باران بر روی چتر باشند؟

. در دوم، موسیقی، مانند صدای زیلوفون، میدان صوتی را می پوشاند که با صدای باران نقطه گذاری شده است.

ابتدا کند است، سپس بسیار سریع، سپس دوباره تغییر می کند.

. بالاخره در سومی دیگر صدای باران شنیده نمی شود. زنگ ضعیف به صدا در می آید و سپس ناپدید می شود.

ماشین ها با صدایی که حرکتشان روی زمین خیس ایجاد می کند رانندگی می کنند، وسیله نقلیه ای می ایستد، کسی راه می رود،

پرنده ها گریه می کنند، وسایل نقلیه هنوز در حال رانندگی هستند، چندین قدم، سپس صدای آخر، صدای یک قطره آب.

این موسیقی متن از صداهای آشنا برای دانش آموزان جوان تشکیل شده است که می توانند فرضیه هایی را فرموله کنند که فیلم تایید می کند.

یا باطل خواهد شد. قسمت دوم می تواند باعث گیجی و عدم وجود سرخ صوتی شود، به جز باران مداوم،

با قطعیت به واقعیت اشاره دارد. واکر، گریه، وسایل نقلیه کجا رفته اند؟

ناپدید شدن این عناصر صوتی این سوال را ایجاد می کند که آیا نشان دهنده ناپدید شدن یک دنیای واقعی و آشنا است؟

گوش دادن و شناسایی منشاء صداها در تصویر

در طول نمایش، با دانش آموزان، جالب است که به تمایز عادت کنیم:

(مثلاً: بارانی که در تصاویر می بینم).

آیا آنها دقیقاً همانهایی هستند که ما معمولاً می شنویم؟ آیا تفاوتی وجود دارد

بین تجربه عادی این صداها توسط کودکان و بازگرداندن آنها در

فیلم؟ در اینجا صداها واقع بینانه هستند اما این تبعیض آنهاست که توجه را به خود جلب می کند.

برجسته کردن سقوط یک قطره آب به عنوان مثال.

(مثلاً: موسیقی ای که هیچ کس در واقعیت نمایش داده نمی شود).

بنابراین کارگردان این موسیقی را اضافه کرد. سوال پرسیدن جالب است

چرا به خصوص از آجایی که در این فیلم او فقط در یک لحظه خاص ظاهر می شود،

از آهسته به سریع پیشرفت می کند و سپس دوباره کاهش می یابد. دانش آموزان بدون شک خواهند دید

که با رقص ماهی پرنده همراه می شود که صدای سازهاست

بسیار نزدیک به قطرات باران

موسیقی مصادف با شادمانی است، با حرکت تخیلاتی که متولد می شود،

از تجربه کودکی باران ناشی می شود که با تنهایی انتظار تشدید می شود

بیکار این امر بر دگرپرسی واقعیتی تأکید می کند که با این وجود باقی می ماند

نقطه شروع خیال: صدای بسیار واقعی باران که برای لحظه ای با آن همراه است

زنگ گریه، تبدیل به موسیقی شفاف می شود. آب ابزار می شود

موسیقی و سقوط قطرات مانند تیغه های زیلوفون طنین انداز می شوند.

در مورد صداها در سینما می توان به توضیحات واضح و مصور در سایت مراجعه کرد:

<http://upopi.ciclic.fr/vocabulaire/glossaire>

فیلم را بدون صدا تماشا کنید

این یک تمرین است که اغلب انجام می شود،

که به ما امکان می دهد یکی یا را پیشنهاد کنیم

چندین موسیقی متن و تجزیه و تحلیل

چگونه آنها بر

استقبال از فیلم

دانش آموزان همیشه مراقب هستند

به تغییرات در معنا و

. صداهایی که منشاء آنها را مشخص می کند، جزئیات انتخاب ها درک می شوند

صدا اجرا شد

دانش آموزان نیز تفاوت ایجاد خواهند کرد

بین موسیقی و جلوه های صوتی



فیلم شبکه

ادبیات کودکان

آثار فراوانی در مورد تجربه باران وجود دارد.

چرا آثاری را انتخاب نمی کنید که دید مثبتی از باران ارائه می دهند؟

شعر با موضوع باران...

"باران میبارد"، (Les Ziaux, Raymond Queneau 1943)، شعری سرشار از نشاط که دانشآموزان میتوانند به عنوان اولیپیان جوان از آن تقلید کنند.

(1984) "Pluie", À la borde du temps و (1974) "Le loup vexé", Enfantasques، کلود روی، متون شاعرانه و سرگرم کننده.

(1899) "Pluie", Les Stances, Jean Moréas، هشت بیت غم انگیزی که می تواند حس و حال کودک را بازتاب دهد.

"باران"، تعصب چیزها، فرانسیس پونگ (1942)، تداعی غیرمعمول متصل به صداها و فرم ها، در یک

پیشرفت نزدیک به فیلم

"او در قلب من گریه می کند"، عاشقانه های بی کلام، پل ورن (1874). "باربارا"، اشعار، ژاک پرور (1946).

سینمای انیمیشن

"همسایه من توتورو"، هایاهو میازاکی (1988). پونیو روی صخره، هایاهو میازاکی (2008)

رنگ کنید

"باران، بخار و سرعت"، ویلیام ترنر، 1844، گالری ملی، لندن.

"باران در شهر"، تاکوشی سیهو، بین 1864 و 1942، موزه اورسی، پاریس.

"مطالعه منظره دریا با ابر باران"، جان کنستبل، 1828، آکادمی سلطنتی هنر، لندن.

مقایسه بین آثار هیروشیگه نقاش ژاپنی و آثاری که از او الهام گرفته است، "ژاپنیهای" و نسان ون گوگ:

"بارش ناگهانی بر روی پل شین اوهاشی و آتاکه"، 1857، هیروشیگه، کتابخانه کنگره ایالات متحده و

نسخه و نسان ون گوگ "پل در باران، بعد از هیروشیگه"، 1887، موزه، آمستردام.

مزرعه گندم در باران، 1889، و نسان ون گوگ، موزه هنر فیلادلفیا.

پنانه از باران، Hanabusa Itchō، 1709. موزه هنر متروپولیتن



موسیقی

"قطره آب" (1838)، Prelude Opus 28 No. 15، فردریک شوپن.

"باغ ها در باران" (چاپ)، 1903، کلود دیوسی.

کلود دیوسی اعلام کرد که قبل از نوشتن این آثار به نقاشی های ترنر در لندن نگاه کرده است.

<https://admin-ressources.philharmoniedeparis.fr/0769180-estampes-de-claude-debussy.aspx>

"درخت باران، برای دو ماریمبا و یک ویبرافون"، 1981، تورو تاکمیتسو.

این آهنگساز ژاپنی به ویژه در دهه 1980 چندین اثر را به باران تقدیم کرد. این یکی، بازی با

سازهای کوبه ای، "تقلیدی" است و می تواند تخیل هنرجویان را بیدار کند.

<https://edutheque.philharmoniedeparis.fr/doc/CIMU/0962799>